

زنی برای گرفتن وام با جسد ضامن به بانک رفت



زن برزیلی که برای دریافت وام ۲۵۰ پوندی، با جسد عمویش راهی بانک شده بود، دستگیر شد.

به گزارش همشهری به نقل از میرر، روز سه‌شنبه اریکا دوسوزا ویرا نونس به همراه عمویش راهی بانکی در ریودوژانیرو شد تا وام بگیرد. قرار بود عمویش به‌عنوان ضامن در بانک حضور یابد و چند سندر اضا کند. ویرا به سراغ عمومی ۶۵ساله‌اش رفت، تا همراه او به بانک برود اما قبل از اینکه‌از خانه خارج‌شسوند، متوجه شد که عمویش جانش را از دست داده است.

زن جوان اما بسزای اینکه بتوانسد وام را بگیرد، تصمیم گرفت عمویش را به بانک ببرد و با صحنه‌سازی کارمند بانک را فریب دهد. اریکا با خونسردی جسد عمویش را داخل ویلچر گذاشت و درحالی‌که وانمودمی کرد او زنده است به بانک و نزد باجه مورد نظر رفت و از کارمند بانک خواست فرم درخواست وام را به او بدهد. او با دستش سر عمویش را بالا نگه داشت و به او گفت که باید سندی را امضا کند.

این اقدام از چشم کارمند بانک دور نماند و به زن جوان مشکوک شد و گفت: «بعضی می‌رسد حال این آقا خوب نیست و فکر نمی‌کنم این کار قانونی باشد.» کارمند بانک در ادامه به عمومی اریکا گفت که اگر حالتان خوب نیست، باید به بیمارستان بروید اما هیچ واکنشی در یافت نکرد. اریکا بدون توجه به کارمند بانک خودکار را در بین انگشتان عمویش قرار داد و از او خواست سندهای بانکی را امضا کند. کارمند بانک اما ماجرا را به مسئولان بانک اطلاع داد و آنها نیز پلیس را خبر کردند.

با حضور پلیس در بانک معلوم شد که پیرمرد قبل از نشستن در ویلچر از دنیا رفته است. در بررسی دوربین‌های نظارتی هم مشخص شد که اریکا مرد را طوری روی ویلچر نشاند که مشخص نشود از دنیا رفته است و در برخورد با او طوری رفتار می‌کرد که گویا او زنده است و حساب‌وی می‌دهد. نتایج آزمایش‌های پس از مرگ برای تعیین علت اصلی مرگ عمومی ۶۵ساله هنوز اعلام نشده است. اریکا که مدعی است عمویش بر اثر مرگ طبیعی از دنیا رفته، در حال حاضر در زندان به سر می‌برد و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

مواد مخدر

موادفروشی دختر جوان با موتور برقی



دختر جوان سوار بر موتور برقی در شهر برسه می‌زد و موادفروشی می‌کرد اما مأموران پلیس او را دستگیر و در بدنه موتورش ۴کیلو تریاک کشف کردند.

به گزارش همشهری، از

مدتی قبل به مأموران

پایگاه هشتم پلیس مبارزه

با موادمخدر تهران خبر رسید.پود که دختر جوانی در برخی مناطق شهر سوار بر یک دستنگاه موتور برقی، موادمخدر توزیع می‌کند.
آنطور که شواهد نشان می‌داد او به‌طور حرفه‌ای این کار را انجام می‌داد و مشتربیان ثابتی در نقاط مختلف شهر داشت. در این شرایط پود که تحقیقات برای دستگیری او آغاز شد.
اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌داد که درختان جوان ملامخدر را در بدنه موتورسیکلتش جاسازی می‌کند. علاوه بر این اطلاعاتی درباره مشخصات ظاهری او به‌دست آمد و در نهایت مأموران موفق به شناسایی خانه او شدند و در عملیاتی غافلگیرانه او را دستگیر کردند.
مأموران در جریان بازرسی مخفیگاه متهم ۴کیلو تریاک که به طرز ماهرانه‌ای در بدنه موتوربرقی جاسازی شده بود کشف کردند. سرهنگ حسین باباپور، رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ با اعلام جزئیات این پرونده گفت:با انتقال متهم به مقر پلیس و تحت بازجویی قرار گرفت و به جرم خود درخصوص فروش موادمخدر اعتراف کرد.
به‌گفته وی با اعترافات متهم پرونده وی به دادسرا فرستاده شد و تحقیقات تکمیلی در این‌باره ادامه دارد.

آتش‌سوزی مرغبار در مجیدیه

آتش‌سوزی در خانه‌ای در شرق تهران جان مردی سالخورده را گرفت.به گزارش همشهری، ساعت ۱۱:۱۳ صبح چهارشنبه (دیروز) به آتش‌نشانی تهران خبر رسید که خانه‌ای در منطقه مجیدیه دچار آتش‌سوزی شده است. آتش‌سوزی در واحدی ۷۰متری در طبقه سوم ساختمانی ۴طبقه اتفاق افتاده بود.به گفته سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران، آتش‌نشانان در حال اطفا‌ی حریق بودند که در جریان آن با پیکر مردی حدوداً ۶۰ساله مواجه شدند و بلافاصله او را از آنجا خارج کردند که امدادگران اورژانس پس از طیقه اتفاق افتاده بود.به گفته سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران، آتش‌نشانان در حال اطفا‌ی حریق بودند که در جریان آن با پیکر مردی حدوداً ۶۰ساله مواجه شدند و بلافاصله او را از آنجا خارج کردند که امدادگران اورژانس پس از معاینه اولیه اعلام کردند جان خود را از دست داده است. به‌گفته ملکی دقیق‌ی بعد، آتش‌سوزی به‌طور کامل خاموش شد و تحقیقات تیم کارشناسی برای روشن شدن علت اصلی این حادثه آغاز شده است.

نجات گردشگر گمشده در ارتفاعات ایلام کردشگر ۶۷ساله که از بعدازظهر سه‌شنبه در ارتفاعات روستای کلم شهرستان بدره در استان ایلام ناپدید شده بود، به‌وسیله هلال‌احمر نجات یافت. این گردشگر بر اثر سقوط از ارتفاع مصدوم شده بود که امدادگران هلال‌احمر روز گذشته موفق شدند او را پیدا کنند و از خطر مرگ نجات دهند.

جوانی که با قسام خورد ۵۰نفر به قصاص محکوم شده‌به طرز عجیبی از مرگ نجات یافت

توقف قصاص با یک سوگند کمتر

گزارش الهه‌فراهانی روزنامه‌نگار

۵۰نفر در مراسم قسامه علیه پسر جوان سوگند یاد کردند که او قاتل است و با همین قسم‌ها بود که به قصاص محکوم شد و تا یک‌قدمی جوبه دار رفت، اما ۲شب پیش از اجرای حکم، یکی از افرادی که قسم خورده بود دچار عذاب وجدان شد و قسمش را پس گرفت تا اجرای حکم متوقف شود.به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از سال ۸۴ و به‌دنبال قتل مرد جوانی در دزفول آغاز شد. عصر روز حادثه، مقتول همراه با یکی از دوستانش در یکی از خیابان‌های شهر سوار خودرو بودند که ناگهان یک موتورسوار سر رسید. او که لباس مشکی به تن داشت و با پارچه‌ای سر و صورتش را پوشانده بود، ناگهان اسلحه کشید و به‌سوی راننده خودرو شلیک کرد و بلافاصله گریخت.اصابت گلوله به راننده باعث شد کنترل خودرو از دستش خارج شود و خودرو کمی جلوتر با دیوار برخورد کند و متوقف شود. زمانی که خودرو توقف کرد، مردی که همراه راننده بود متوجه شد او بر اثر اصابت گلوله جانش را از دست داده است. در این شرایط بود که ماجرا به پلیس گزارش داده و با حضور مأموران در محل حادثه تحقیقات در این‌باره آغاز شد.

دستگیری ۹مظلون

کارآگاهان در نخستین گام به تحقیق از فردی که همراه مقتول بود پرداختند. او چیزهایی را که در صحنه قتل دیده بود بازگو کرد؛ اما به‌دلیل اینکه قاتل صورتش را پوشانده بود اطلاعات چندانی از او وجود نداشت. در همین حال، شواهد به‌دست آمده از صحنه قتل نشان داد که قاتل از سمت راننده به‌خودرو نزدیک شده و شلیک کرده و به‌احتمال زیاد باید چپ‌دست باشد. در این شرایط بود که تحقیقات ادامه یافت و ۹ نفر به‌عنوان مظنون به قتل دستگیر شدند. کارآگاهان یک‌یک به مظنونان را تحت بازجویی‌های فنی قرار دادند. در بین آنها فقط یک نفر چپ‌دست بود، اما شواهد محکمی علیه وی وجود نداشت. در این شرایط بود که همه مظنونان آزاد شدند و تحقیقات در این پرونده به نتیجه مشخصی نرسید.

دستگیری ۴سال بعد از قتل

در شرایطی که ۴سال از وقوع این جنایت مرموز گذشته بود و هنوز به‌درستی معلوم نبود که چه‌کسی مرتکب



دستگیری زردان ۳میلیاردی

سارقی که با دستبرد به ۲خانه در اصفهان، ۳ میلیارد تومان پول، طلا و اموال باارزش سرقت کرده بود، دستگیر شد. مأموران پلیس آگاهی استان اصفهان با شناسایی مخفیگاه این سارق، ضمن دستگیری او موفق شدند ۲ میلیارد تومان طلا و دلار مسروقه از آنجا کشف کنند.

توقف قصاص با یک سوگند کمتر

توقف قصاص با یک سوگند کمتر

می‌داد که او از سر عذاب وجدان دست به خودکشی زده است.

در یک‌قدمی جوبه دار

مراحل قضایی رسیدگی به این پرونده به آنجا رسید که چندی قبل جوان محکوم به قصاص برای اجرای حکم قصاص آخرین ملاقات را با خانواده‌اش کرد و در به قرتپنه زندان منتقل شد. یک‌ظ ۴۸ ساعت تا اجرای حکم باقی مانده بود که فقی از ۵۰ نفری که در مراسم قسامه شرکت کرده بود دچار عذاب وجدان شد و با مراجعه به دادگستری قسمش را پس گرفت.به همین دلیل اجرای حکم متوقف شد.

۱۹سال بلاکلیفی

حالا ۱۹ سال از وقوع این قتل گذشته و متهم پرونده ۱۵سال از عمرش را بلاکلیف پشت میله‌های زندان گذرانده است. او درباره شرایطش در این سال‌ها به همشهری می‌گوید: خدا می‌داند که در این مدت چه شرایط سختی داشتم، به‌خصوص شی که به قرتپنه منتقل شدم و قرار بود قصاص شوم. یک‌باره همه روزهای زندگی جلو چشماتم آمد. من اگر پای چوبه دار هم بروم، باز هم بی‌گومیب بی‌گناه هستم و مرتکب قتل نشده‌ام. حالا هم به رای اعتراض کرده‌ام و مدت‌هاست که پرونده در دیوان عالی کشور است، اما نمی‌دانم چرا زودتر تکلیفم را روشن نمی‌کنند. از مسئولان قضایی می‌خواهم که کمکم کنند. من بی‌گناهم.

قسامه چطور اجرا می‌شود؟

محمد رضا گیوکی، وکیل دادگستری، درباره مراسم قسامه به همشهری می‌گوید: در پرونده‌های قتل، زمانی که شواهد و قرآنی علیه متهم وجود داشته باشد اما این دلایل آنچنان محکم نباشد که بتوان حکم به قصاص او داد، پرونده از موارد لوث است. در این حالت تکلیف پرونده با برگزاروی مراسم قسامه مشخص می‌شود. اجرای قسامه به این شکل است. که ۵۰نفر از بستگان نسبی و مردم اولیای دم باید سوگند یاد کنند که متهم مرتکب قتل عمد شده است. در این شرایط دادگاه حکم به قصاص قائل می‌دهد. اگر حال شاکی نتوانست ۵۰قسم‌خورنده را به دادگاه معرفی کند، می‌تواند به مظنون رد قسم کند، به این معنا که متهم باید ۵۰نفر را در دادگاه حاضر کند یا خودش ۵۰مرت به‌قسم بخورد که بی‌گناه است. در چنین شرایطی حکم تبریئه متهم صادر و دیه مقتول از صندوق بیت‌المال به خانواده اولیای دم پرداخت می‌شود.

سرنوشت متفاوت ۴محکوم به مرگ، پای جوبه‌دار

پیش از آنکه آفتاب دبروز، چهارشنبه طلوع کند، ۴قاتل و یک متجاوز برای اجرای حکم مرگ پای جوبه دار رفتند، اما سرنوشت یکی از قاتلان با جوبه دار گره خورد و از زندانی دیگر موفق شدند از پای جوبه دار به زندان بازگردند.

به گزارش همشهری، قاتلی که سحرگاه حکم قصاصش اجرا شد، ۴سال قبل دست‌به‌چنابتی هولناک زده و جان ۱۸نفر را گرفت.پود که قربانیان زن و ضهری جوان و دختر ۶ساله‌شان بودند که با ضربات چاقو در طبقه هفتم برج سپید در غرب تهران به قتل رسیده بودند. وقتی تیم جنایی در محل حادثه حاضر شد، یکی از همسایه‌ها مهم‌ترین سرنخ پرونده را در اختیارشان قرار داد. او دیده بود که یکی از آشنایان مقتولان به نام کامران که وی نیز ساکن طبقه هفتم برج بود، با یکسی از قربانیان (پدر خانواده) درگیر شده و با ضربات چاقو او را از تنه‌ای مطنون جنایت تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه ساعاتی بعدوقتی به‌محل جنایت برگشت، دستگیر شد. او در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و مدعی شد حسادت دلیل اصلی قتل عام خانواده پسر خالهاش بوده است.

متهم به قتل که متولد سال ۶۳ است و هیچ سابقه کیفری در پرونده‌اش نداشت در تمام مراحل بازجویی گریه می‌کرد و می‌گفت عذاب چندین ملک داشت که اجازه زیسادی از وجدان دارد. وی خواسته‌اش این بود که هرچه زودتر قصاصش کنند، چراکه تحمل این عذاب وجدان را ندارد. کامران می‌گفت: پسر خال‌ام مانند برادر ام بود. ما با هم رفیق بودیم. با هم کار می‌کردیم. اما حسادت از خیلی وقت قبل درنم ریسه دوانده بود و رهایم نمی‌کرد. او ادامه داد: ۴سال با کمک هم برج را که زمینش ارثیه مادری‌مان بود ساختیم و هیچ مشکلی با یکدیگر نداشتیم، اما او وضع مالی‌اش از من بهتر بود؛ چون پس از مرگ مادرش ارثیه زیادی به او رسیده بود. باغ، ویلا و ماشین داشت. همینطور مراحل بازجویی گریه می‌کرد و می‌گفت عذاب



قربانیان جنایت

مستأجران شان می‌گرفت. وضعیت زندگی او باعث شده بود که حسادتم روزبه‌روز نسبت به او بیشتر شده؛ به‌خصوص اینکه همسرم هم مدام به من سرکوفت می‌زد و وضعیت زندگی او را به ریختم می‌کشید.

البته من هم خانه و ماشین خارجی دارم، اما او چندین برابر من داشت. به‌تازگی می‌گفت قصد دارد خانه‌ای لوکس در جردن و یک خودروی لکسوس بخرد. این را که شنیدم دیگر از خود بی‌خود شدم و روز حادثه‌دست‌به‌چنابتی هولناک زدم. وی درباره روز حادثه می‌گفت: آن روز قرار بود با پسر خال‌ام برویم محضر چون کار

قربانیان جنایت

استأجران شان می‌گرفت. وضعیت زندگی او باعث شده بود که حسادتم روزبه‌روز نسبت به او بیشتر شده؛ به‌خصوص اینکه همسرم هم مدام به من سرکوفت می‌زد و وضعیت زندگی او را به ریختم می‌کشید.

البته من هم خانه و ماشین خارجی دارم، اما او چندین برابر من داشت. به‌تازگی می‌گفت قصد دارد خانه‌ای لوکس در جردن و یک خودروی لکسوس بخرد. این را که شنیدم دیگر از خود بی‌خود شدم و روز حادثه‌دست‌به‌چنابتی هولناک زدم. وی درباره روز حادثه می‌گفت: آن روز قرار بود با پسر خال‌ام برویم محضر چون کار

توقف ۲ حکم

سومین محکومی که پیش از طلوع خورشید روز چهارشنبه، پای جوبه دار رفت دوازدهم آبان سال ۹۶جان‌زنی جوان را گرفته بود. وی درباره انگیزه‌اش از چنابت چنین گفته بود: مقتول سعید نام داشت و از آشنایانم بود. من به او بول قرض داده بودم. اما سعیده برای برگرداندن این پول امروز و فردا می‌کرد. روز حادثه می‌خواستیم با هم به مسافرت برویم، اما در بین راه به خاطر پول با هم درگیر شدیم. از شدت عصبانیت، او را خفه کردم و جسدش را در شهر بار انداختم. این مرد صبح دبروز در حالی‌که طناب دار بر گردنش بود، با التماس توانست از اولیای دم مهلت بگیرد و به زندان برگردد. علاوه بر یک محکوم به اعدام نیز با توقف اجرای حکمش از پای جوبه دار به زندان بازگشت. این مرد سال ۹۴زنی را به‌عنوان مسافر سوار ماشینش کرده بود، اما به‌گفته خودش وسوسه‌های شیطانی سرغاش آمده و با تهدید به زن جوان تجاوز کرده بود. وی پس از دستگیری و محاکمه که داد‌گاه کیفری به اعدام محکوم شد و حکمش به تأیید قضات دیوان‌عالی کشور رسید، وی تا قبل از این، ۲مرتبه نامش در لیست اعدام قرار گرفته بود، اما یک‌بار توبه‌نامه نوشته و بار دیگر درخواست اعادة دادرسی کرده بود که موجب توقف اعدامش شده بود. وی درحالی‌که دبروز برای سومین‌بار پای جوبه دار می‌رفت، بار دیگر با توقف حکمش مواجه شد؛ چراکه چند روز قبل درخواست اعادة دادرسی کرده بود و به این ترتیب اعدام نشد تا پرونده‌اش بار دیگر مورد بررسی‌های بیشتر قرار بگیرد.

بیشتر قرار بگیرد.

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳ - شماره ۹۰۷۲

همشهری

داخلی

جدال زن ۶۰ساله و خرس در ارتفاعات پیرانشهر



زن ۶۰ساله که برای چسیدن گیاهان دارویی به ارتفاعات شهرستان پیرانشهر رفته بود، هدف حمله خرس قرار گرفت اما به طرز معجزه‌آسایی از این جدال هولناک جان سالم به در برد. به‌گزارش همشهری، این حادثه سه‌شنبه ۲۸فروردین رخ داد. آن روز زنی ۶۰ساله به نام آزیزه به همراه شوهرش برای تفریح و چیدن گیاهان دارویی راهی ارتفاعات روستای «گرگول» پیرانشهر در آذربایجان غربی شده بودند که این حادثه رخ داد. ناصر ابراهیمی آذر، پسر آزیزه دربار این اتفاق به همشهری می‌گوید: روز سه‌شنبه ۲۸فروردین ماه بود که مادر و پدرم برای تفریح و گردش از شهرمان نقده راهی روستای گرگول پیرانشهر شدند. آنها صبح زود از خانه خارج شدند و در ارتفاعات روستای گرگول شروع به گشت وگذار کردند و گیاهان دارویی چیدند. بعد از مدتی پدرم مادرم جدا شد و حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰متر از هم فاصله گرفتند و او به‌سوی ارتفاعات رفت. مادرم نیز همان اطراف همچنان به گشت وگذار و چیدن گیاهان دارویی مشغول بود که آن حادثه رخ‌داد.

حمله ناگهانی خرس

وی ادامه داد: حوالی ساعت ۱۲، وقتی مادرم سرگرم چیدن گیاهان کوهی و گشت‌زدن در ارتفاعات بود، ناگهان خرس به‌سوی او حمله کرد. خرسی که به‌گفته مادرم هیکلتش چندین برابر او بود. آنطور که از زبان مادرم شنیدم، خرس از پشت یک صخره بیرون آمد و ناقل به‌سوی مادرم رفت و به او حمله کرد. با چنگالش چندین بار به‌صورت مادرم ضربه زد و جراحات عمیقی در صورت، گوش و چشمش ایجاد و مادرم را بی‌حال کرد. بعد هم با دندان‌هایش از شانه‌مادرم را گرفت و حدود ۲۰ تا ۳۰متر او را روی زمین کشید و با خود برد. اما هنوز هم نمی‌دانیم که چه اتفاقی افتاد که خرس از تصمیم‌گیری برای بردن مادرم منصرف شد و او را همانجا رها کرد و رفت. هر چه بود، باعث شد مادرم به طرز معجزه‌آسایی نجات پیدا کند.

درخواست کمک

زن ۶۰ساله در جریان حمله خرس به‌شدت دچار جراحت و خونریزی شده بود. او که خود را از چنگال خرس رها شده دید، همه توانش را جمع کرد تا با گوشی‌اش ماجرا را به همسرش اطلاع دهد. پسرش می‌گوید: مادرم گوشی موبایلش را از جیبش در آورد و شناسی که آورد، آن نقطه اتنن داشت و به سرعت ارتباط برقرار شد و ماجرا را برای پدرم تعریف کرد. اما آنقدر ماجرا غیرقابل باور بود که پدر فکر کرد یک شوخی است. به همین دلیل به آرامی به‌سوی مادرم برگشت اما وقتی مادر را زخمی و بی‌رمق دید، وحشتزد و او را به ماشین منتقل کرد و به یکی از بیمارستان‌های نقده برد. به‌گفته پسر آزیزه در بیمارستان با دیدن صورت زخمی و خونی آزیزه، پزشکان سریعا او را اتاق عمل بردند و بینی شکسته‌اش را عمل کردند. صورتش را بخیه زدند و جراحاتش را پانسمان کردند. پسر آزیزه ادامه می‌دهد: بعد از عمل جراحی روی مادرم منتظر نشستم تا ببینیم که چشمش چقدر آسیب دیده است. به‌غیراز چشم، صورت و بدن مادرم نیز به‌شدت زخمی شده و او همچنان در بیمارستان است تا به‌طور کامل بهبود یابد.

آدم‌ربایی ۵۰میلیارد تومانی در تهران

۳نفر که با یکی از دوستان‌شان دچار اختلاف مالی شده بودند او را ربوده و برسی‌ای آزادی‌اش معادل ۵۰میلیارد تومان رمزارز می‌خواستند اما وقتی پی بردند پلیس در تعقیب آنهاست گروهان‌شان را رها کردند.

به‌گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از چندی قبل با شکایت زنی در کلاترزی ۱۱۹ مهرآباد آغاز شد. او به مأموران گفت: ۳روز قبل همراه شوهرم نیما به تهران آمدیم تا او به دیدن برادرش برود. ساعتی از رفتن شوهرم می‌گذشت که تلفن همراهش خاموش شد و او دیگر به خانه برگشت تا اینکه از طریق شماره‌های ناشناس با من تماس گرفته شد. مرد ناشناسی گفت شوهرم را ربوده و برای آزادی‌اش باید معادل ۵۰میلیارد تومان شرط به او بدهم. باثبت این شکایت به دستور بازپرس ادلسرای جنایی کل آگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را در این‌باره آغاز کردند. شواهد نشان می‌داد نیما قبل از اینکه به دیدار برادرش برود به‌سمت بیمارستان رسول اکرم(رض) رفته بوده که در آنجا تلفن همراهش خاموش شده است. کار آگاهان با بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف بیمارستان متوجه شدند که ۳مرد جوان با یک خودروی پژو ۴۰۴آگاهان او را مورد ضرب و شتم قرار داده و ربوده‌اند. به‌ب‌دست آمدن این سرنخ مأموران موفق شدند هویت یکی از آدم‌ربایان را شناسایی کنند. همچنین شواهد نشان می‌داد که آدم‌ربایان با نیما اختلاف مالی داشته‌اند و یکی از دوستان مشترک آنها از این اختلافات با خبر است. او به مأموران گفت: به‌خاطر این اختلافات قرار بود نیما ۵میلیارد تومان به آنها بدهد اما چون او این کار را نکرد، آنها هم او را ربودند.

بررسی‌ها نشان داد خودروی آدم‌ربایان در محور خاش به زاهدان دیده شده و این موضوع نشان می‌داد که آنها او را به شرق کشور منتقل کرده‌اند. تحقیقات پلیس در این‌باره ادامه داشت تا اینکه آدم‌ربایان وقتی پی بردند پلیس در تعقیب‌شان است گروگان را بدون دریافت پول رها کردند و نیما نیز سوار بر اتوبوس به تهران برگشت. براساس این گزارش تحقیقات برای دستگیری ۳آدم‌ربا ادامه دارد.